

Duties of a religious government towards mosque as a cultural right

Mansoor Fasih Ramandi , Faculty Member of the Research Institute of Culture, Art and Communication)

Email: fasih@ricac.ac.ir

ABSTRACT

The cultural rights that emerged after the emerging socialisms in the concept of human rights and the failures caused by the imposition and the dominance of foreign development patterns with the cultures of societies was put on the agenda. It is based on the basic point that the concept of right should not be searched only in the individual fields and basic civil and political freedoms. Rather, because of the spiritual aspect of human life and sometimes giving it authenticity, and with the premise that without addressing this aspect of the existential dimensions of human society, It is not possible to develop society and develop moral virtues in it And more attention should be paid to it.

In fact, to achieve this goal, creating a harmonious relationship between components such as belief, tendency and behavior based on monotheistic belief And defining culture as a set of these three components with “cultural rights” is essential. Because culture is the most authentic social reality that is formed under the influence of other realities. One of these facts that strongly affects culture is government or political power. In particular, governments, both in terms of propagating ideals and goals of official ideology and in terms of the necessity of achieving their political goals and objectives, and also in terms of new functions such as planning and implementation, control and supervision of They take over the culture.

In other words, the government’s duties are not limited to providing individual rights and needs Rather, the duties of the government, which is itself a manifestation of a social and political right, It will include the protection of culture as a common knowledge whose underlying layers are mainly the insights and values of a nation which can be realized in the form and tool of “cultural rights”. Cultural affairs have an irreplaceable place in the Islamic legal system And the Islamic government, in addition to respecting the material rights of the citizens and ensuring their welfare and livelihood, is obliged to respect the cultural rights of the members of the society And he should use all his efforts to protect the spiritual atmosphere and promote the cultural health of the society.

In such an atmosphere, the religious government cannot and should not be indifferent to the central position of mosques as the most effective cultural institution based on monotheistic belief in order to implement and establish the “cultural rights” of citizens. Because mosques, while having cultural capacities for the development of moral virtues, are the basis for the realization of cultural rights in its examples, such as the right to religion, cultural participation, the right to religious identity, the right to education, the right to different religions. They are respected in performing rituals.



Based on the necessity of identifying and explaining “mosque as a cultural right”, in this article, an attempt has been made to answer the question that, despite the lack of clarification by the legislator on the position of “mosque as a cultural right”, the duties and obligations of the religious government in relation to How can it be proven to implement and guarantee this type of cultural rights? The importance of answering this question and researching the position of the mosque under “cultural rights” is significant from two aspects; The first aspect can be described in the explanation and introduction of the “cultural right to the mosque” from the circle of “cultural rights”. On the other hand, due to the focus of existing researches on the material dimensions of “cultural rights”, especially with regard to the international human rights system, it is important to calculate the spiritual dimensions of this category of rights in the domestic legal system.

The research strategy in this article is a combined strategy and depending on each topic of the article, it has been tried to use the appropriate research method. For more focus and coherence, two main methods of “library studies” and “content analysis of documents” were used and four documents from upstream documents were examined in order to determine the duties of the government in securing this cultural right.

Based on the findings of the research, based on the goal of progressive culture and considering the cultural functions of the mosque, not only the human cultural right in the field of belief, tendency and behavior will be ensured through the mosque. Rather, this right itself will eventually lead to securing other cultural rights such as the right to religion and belief, the right to traditions and other rights. Also, regarding the duties of the religious government in the way of securing cultural rights, although the constitution implicitly refers to manifestations of culture, but according to the first paragraph of the third principle of the constitution, it should be said; Organization of culture by the government is part of the social rights of the people over the statesmen. This duty for the government regarding the position of the mosque institution as a cultural right will be realized through policy making in this field. This duty for the government regarding the position of the mosque institution as a cultural right will be realized through policy making in this field. Of course, this policy-making was not considered hierarchical and only within the scope of the government’s duties, and it was largely formed based on people’s participation. In fact, the government’s intervention in securing this cultural right is not maximal and it has moved towards semi-centralized policy making.

Keywords: Right, cultural rights, cultural right of mosque, religious government, Mosqueright.

وظایف حکومت دینی در قبال مسجد به مثابه حق فرهنگی

منصوره فصیح رآمدی^۱

چکیده

به‌رغم تبیین حق‌های فرهنگی ذیل مباحث حقوق بشر، به جهت تکیه بر ابعاد مادی وجود انسان در تعریف آن، شاهد عدم توجه به شناسایی این حقوق در قالب ابعاد معنوی انسان هستیم. این در حالی است که با توجه به ارتباط وثیق حق‌های فرهنگی با مفهوم «فرهنگ پیشرو»، ضروری است تا ابعاد دیگری از این حقوق در حوزه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارها مورد شناسایی قرار گیرد. از این منظر و با نگرش حقوقی، نهاد مسجد به‌عنوان یکی از مصادیق در گستره حق‌های فرهنگی، مورد واکاوی قرار گرفت. در این رویکرد این سؤال مطرح شد که مسجد به‌مثابه «حق فرهنگی» چگونه قابل تعریف است؟ بر مبنای اسناد بالادستی در نظام جمهوری اسلامی ایران وظایف حکومت دینی در این عرصه چیست؟ در این مطالعه توصیفی و تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد، چهار سند از اسناد بالادستی در جهت تعیین وظایف دولت در تأمین این حق فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، بر مبنای هدف فرهنگ پیشرو و با توجه به کارکردهای فرهنگی مسجد، نه تنها حق فرهنگی بشر در حوزه اعتقاد، گرایش و رفتار به واسطه مسجد تأمین خواهد شد. بلکه این حق خود در نهایت منجر به تأمین حق‌های فرهنگی دیگری از قبیل حق بر مذهب و عقیده، حق بر سنت‌ها و ... خواهد شد.

واژگان کلیدی

حق، حق‌های فرهنگی، حق فرهنگی بر مسجد. دولت دینی مسجد.



مقدمه

مقوله حق‌های فرهنگی که پس از اجتماع‌گرایی‌های نوظهور در مفهوم حقوق بشر و ناکامی‌های ناشی از تحمیل و اعمال الگوهای توسعه بیگانه با فرهنگ‌های جوامع در دستور کار قرار گرفت، ناظر به این نکته اساسی است که مفهوم حق را نباید صرفاً در عرصه‌های فردی و آزادی‌های اساسی مدنی و سیاسی جست‌وجو کرد. بلکه به دلیل وجه معنوی حیات انسانی و بعضاً اصالت بخشیدن به آن و با این پیش‌فرض که بدون پرداختن به این بعد از ابعاد وجودی جامعه انسانی، امکان تکامل جامعه و رشد فضایل اخلاقی در آن میسر نیست و باید توجه بیشتری به آن مبذول داشت. در واقع برای رسیدن به این هدف، ایجاد رابطه هماهنگ میان مؤلفه‌هایی همچون اعتقاد، گرایش و رفتار مبتنی بر باور توحیدی و تعریف فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای از این سه مؤلفه، با «حق‌های فرهنگی» امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. چراکه فرهنگ اصیل‌ترین واقعیت اجتماعی است که تحت تأثیر سایر واقعیت‌ها شکل می‌گیرد. یکی از این واقعیت‌ها که فرهنگ را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، حکومت یا همان قدرت سیاسی است. به‌ویژه که حکومت‌ها، هم به لحاظ تبلیغ آرمان‌ها و اهداف ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به هدف‌ها و مقاصد سیاسی خویش و هم به جهت کارکردهای جدید نظیر برنامه‌ریزی و اجرا، کنترل و نظارت بر فرهنگ را بر عهده می‌گیرند. به‌عبارت‌دیگر، وظایف حکومت تنها ناظر به تأمین حقوق و نیازهای فردی نیست بلکه وظایف دولت که خود تجلی یک حق اجتماعی و سیاسی است، شامل حفاظت از فرهنگ به‌عنوان معرفت مشترکی که لایه‌های زیرین آن را عمدتاً بینش‌ها و ارزش‌های یک قوم تشکیل می‌دهد، خواهد بود که در قالب و ابزار «حق‌های فرهنگی» قابل تحقق است. امور فرهنگی در نظام حقوقی اسلام، جایگاه بی‌بدیلی دارد و حکومت اسلامی، علاوه بر رعایت حقوق مادی شهروندان و تأمین رفاه و معیشت آنان، مکلف به رعایت حق‌های فرهنگی آحاد جامعه است (موسوی‌الخمنی، ۱۳۹۷: ۴۹۷)؛ و باید همه‌اقدام خود را در جهت صیانت از فضای معنوی و ارتقای سلامت فرهنگی جامعه به کار بندد.

در این بین، دولت دینی در جهت اجرا و تثبیت «حق‌های فرهنگی» شهروندان، نمی‌تواند و نباید نسبت به جایگاه محوری مساجد به‌عنوان اثرگذارترین نهاد فرهنگی مبتنی بر باور توحیدی، بی‌توجه باشد. چراکه مساجد در عین برخورداری از ظرفیت‌های فرهنگی در جهت رشد فضایل اخلاقی، زمینه‌ساز تحقق حق‌های فرهنگی

در مصداق‌های آن همچون حق بر مذهب، مشارکت فرهنگی، حق بر هویت دینی، حق بر آموزش، حق مذاهب مختلف بر محترم واقع شدن در انجام مناسک^۱ و ... هستند. بر اساس ضرورت شناسایی و تبیین «مسجد به مثابه حق فرهنگی»، در این مقاله تلاش شده با رویکرد تحلیلی و توصیفی و با بهره‌گیری از روش مطالعات اسنادی نسبت به اسناد بالادستی، به این پرسش پاسخ داد شود که به‌رغم عدم تصریح قانون‌گذار به جایگاه «مسجد به مثابه حق فرهنگی»، وظایف و تعهدات دولت دینی نسبت به اجرا و تضمین این قسم از حق‌های فرهنگی، چگونه قابل اثبات است؟ اهمیت پاسخ به این سؤال و پژوهش در خصوص جایگاه مسجد ذیل «حق‌های فرهنگی» از دو جنبه قابل توجه است؛ جنبه اول را می‌توان در تبیین و معرفی «حق فرهنگی بر مسجد» از میان دایره «حق‌های فرهنگی» توصیف کرد. از جنبه دیگر نیز با توجه به تمرکز پژوهش‌های موجود بر ابعاد مادی «حق‌های فرهنگی» به‌ویژه با نگاه به نظام حقوق بین‌المللی بشری، احصاء ابعاد معنوی این دسته از حقوق در نظام حقوقی داخلی از اهمیت و ضرورت قابل توجهی برخوردار است.

پیشینه پژوهش

حجم تولیدات علمی - تخصصی در زمینه «مسجد به مثابه حق فرهنگی» به‌ویژه احصاء و تبیین رویکرد اسناد بالادستی نسبت به این حق، در مقایسه با برخی مصادیق حقوق مدنی و سیاسی بسیار کم‌فروغ است؛ بنابراین، برای جبران فاصله موجود میان واقعیات و انتظارات، نیازمند بررسی‌های مختلف به‌ویژه مطالعات بین‌رشته‌ای هستیم تا راهکارهای بهبود وضعیت به‌درستی شناسایی شوند. البته در خصوص «حق‌های فرهنگی» به‌صورت خاص تحقیقات و پژوهش‌های متعددی انجام شده که بیشتر آن‌ها به بررسی این قسم از حقوق در نظام بین‌المللی حقوق بشر معطوف شده‌اند؛ اما علی‌رغم این پیشینه، تحقیق و پژوهشی منحصر به شناسایی این حق در حوزه «دین» به‌ویژه در خصوص شناسایی بهره‌مندی از مساجد به‌عنوان «حق فرهنگی»، صورت نپذیرفته است. البته پژوهش‌هایی با موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی مساجد به‌صورت محدود به ابعاد قانون‌گذاری در این موضوع پرداخته‌اند که از این جهت قرابت کمی با موضوع مورد بحث دارند. به‌عنوان مثال فرخی و باهنر در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران...»، طی

۳۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان به مختصات سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران، پرداخته‌اند. همچنین حسین عبدالملکی و همکاران در پژوهشی با عنوان «واکوی نوع نگاه به مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» پیوستار چهارمرحله‌ای سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در حیطه مسجد را تبیین نموده‌اند. با بررسی تحقیقات موجود، مشخص می‌شود بخش عمده‌ای از تحقیقات تنها به بررسی «حقوق فرهنگی» با تکیه بر ابعاد مادی وجود انسان، منحصر شده‌اند و بخش دیگر نیز به بررسی روند سیاست‌گذاری در این خصوص پرداخته‌اند. در واقع در خصوص موضوع موردبحث، شاهد پژوهش‌های مستقل و کاربردی نیستیم.

روش پژوهش

استراتژی پژوهش در این مقاله یک راهبرد تلفیقی است و بسته به هر یک از مباحث مقاله سعی شده است از روش تحقیق متناسب با موضوع آن بهره‌برداری شود. برای تمرکز و انسجام‌بخشی بیشتر، تلاش شد از دو روش عمده «مطالعات کتابخانه» و «تحلیل محتوای اسناد» استفاده شود.

ملاحظات نظری و مفهومی

تبیین نظریه مفاهیم بنیادین حقوقی هوفلد

نظریه و نظریه‌پردازی چه در مقام صورت‌بندی و تفسیر و چه در مقام تأثیر در سیاست‌گذاری اجتماعی و اجرا تحت تأثیر سلسله‌مراتب و سطوح گوناگونی از ارزش‌ها، باورها و پیش‌فرض‌های هنجاری می‌باشد (امینی هرندی، ۱۴۰۳: ۴۸). نظریه مفاهیم بنیادین حقوقی هوفلد نیز مبتنی بر این بستر از اهمیت قابل توجهی در اثبات حق برخوردار است. به اعتقاد هوفلد^۱، قاضی و فیلسوف آمریکایی در اوایل سده بیستم، تقسیمات سنتی حق، صرفاً به یک نوع از حقوق قانونی توجه کرده و سایر حقوق قانونی را نادیده گرفته و به همین جهت موجب به خطا افتادن در تحلیل روابط حقوقی و آموزه‌هایی همانند رابطه حق و تکلیف می‌شود. رابطه حق و تکلیف ریشه در ایده «سویه هنجاری» حق برای هدایت رفتار دیگران دارد. این ایده معمولاً با گفتن این جمله مطرح می‌شود که حق ملازم با تکلیف است. به عبارت دیگر، حق همواره متضمن برخی تکالیف درهم‌تنیده دیگران است. تکلیف تابع حق است و وجود ثانوی و اشتقاقی دارد، زیرا اگر صاحب حق، حق خود را اسقاط کند، تکلیف نیز ساقط

می‌شود. پس تکلیف بر محور حق می‌چرخد (شفیعی‌سردشت، ۱۳۹۳: ۲۱۲). هوفلد تصریح می‌کند که تلاش‌های فراوانی که برای شناساندن مفهوم حق تا زمان وی صورت گرفته است، هیچ‌کدام قانع‌کننده نیست. از سوی دیگر، بسیاری از معضله‌های موجود در علم حقوق از ابهام‌های موجود در روابط مفاهیمی همانند حق و تکلیف، پدید آمده است (طالبی و حسینی‌نسب، ۱۳۸۸: ۱۶۲) و تا این ابهام‌های فلسفی برطرف نگردند، معضلات حقوقی نیز در حقیقت حل نخواهد شد. همچنین ابهام‌های موجود در روابط مفاهیمی مانند حق و تکلیف، به ارائه تقسیمی صحیح از حق برمی‌گردد. هوفلد برای نشان دادن ساختار منطقی نظام خود، چهار مفهوم مزبور را در جدول «ملازم‌ها» و «متضادها» مرتب ساخت. بر این اساس، هر حقی را می‌توان در ارتباط با ملازم و متضاد آن تحلیل کرد. ملازم‌ها را غالباً در شخص مکلف شناسایی می‌کنند، اما متضادها را با توجه به خود صاحب حق تعریف می‌نمایند. ملازم‌های هوفلدی بر موقعیت‌های قانونی دوتایی دلالت دارند که متعلق به دو طرف یک رابطه هستند؛ اما متضادهای هوفلدی بیانگر موقعیت‌هایی هستند که یک‌طرف رابطه ممکن است هر یک از آن موقعیت‌ها را داشته باشد. در واقع، ملازم را باید در صاحب حق و فرد مکلف جستجو نمود، اما متضاد را باید در یکی از طرفین رابطه شناسایی نمود (ولمن‌کارل، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

از دیدگاه هوفلد، واژه حق می‌تواند بیانگر چهار گونه رابطه حقوقی باشد:

۱. حق ادعا، حق در اینجا به معنای مضیق است که لازمه آن تکلیف و وظیفه دیگری و نقیض آن، حق نداشتن شخص است؛
۲. حق امتیاز، حقی است که لازمه آن، حق نداشتن طرف دیگر است و نقیض آن هم وظیفه و تعهد شخص است؛
۳. حق قدرت نیز لازمه‌اش مسئولیت حقوقی دیگری در برابر آن است و نقیض آن هم ناتوانی ذی‌حق نسبت به آن است؛
۴. حق مصونیت، عبارت است از مصونیت داشتن در برابر قدرت قانونی دیگران؛ یعنی اینکه صاحب حق در معرض قدرت دیگری نیست (دستی، ۱۳۹۹: ۱۱). در نهایت باید گفت مطابق با این نظریه، «قدرت و امتیاز»، حق‌های فعال هستند و «ادعا و مصونیت» حق‌های منفعل، زیرا امتیاز و قدرت اعمال و اجرا می‌شوند، حال آنکه ادعا و مصونیت اعمال و اجرا نمی‌گردند، بلکه صرفاً مورد تمتع قرار می‌گیرند.

تعریف حکومت دینی

بر اساس معنای لفظی حکومت در تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۶۴)، حکومت با اعمال قدرت و سازمان‌دهی به صورت یک نظام سیاسی، به عنوان مظهر والای وحدت اجتماع، باعث از بین رفتن ضعف و فتور در نظام اجتماعی می‌شود. حکومت در علم حقوق و اندیشه سیاسی به معنی سازمانی که دارای تشکیلات و نهادهای سیاسی مانند قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه است، تعریف شده است و حکومت به وسیله این نهادها تجلی و اعمال حاکمیت می‌کند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹: ۷۵۱). در واقع حکومت نوع سازمان‌دهی و تجلی بیرونی حاکمیت و قدرت سیاسی است که پس از تشکیل، نیاز به سازمان خاصی دارد که انجام وظایف و اعمال سیاست‌های آن را بر عهده گیرد؛ این سازمان «دولت» نامیده می‌شود که به دخالت در نهادهای دیگر می‌پردازد.

به اعتقاد شهید صدر، حکومت در اسلام عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین جهت بارها بر حاکم نام راعی و بر فرمانبرداران نام رعیت اطلاق شده است^۱ (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۱). آیت‌الله مصباح یزدی در تعریف حکومت دینی می‌گوید: حداقل سه معنا ممکن است از حکومت دینی ارائه شود:

۱. حکومتی که تمام ارکان آن بر اساس دین شکل گرفته باشد؛

۲. حکومتی که در آن احکام دینی رعایت شود؛

۳. حکومت دین‌داران و متدینان (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۵۷).

در نوع اول این تعاریف، حکومت دینی حکومتی است که نه تنها همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام دینی است، بلکه مجریان آن نیز به طور مستقیم از طرف خداوند یا به اذن خاص یا عام امام معصوم، منصوب می‌شوند. در معنای دوم، لازم نیست که حاکم منصوب خدا باشد، بلکه صرفاً رعایت احکام دین در حکومت چنین شخصی یا گروهی، کفایت می‌کند و در معنای سوم، رعایت قوانین دینی و اسلامی لازم نیست، بلکه صرف ارتباط حکومت با افراد دیندار و متدین، کفایت می‌کند (فلاح سلوکایی، ۱۳۹۰: ۶۴). با نگاهی به این تعاریف متوجه می‌شویم که حکومت اسلامی، حکومتی است که در آن اداره جامعه و رسیدگی به مسائل جامعه، مطابق دستورات و قوانین اسلام است. حکومت اسلامی و دولت اسلامی در این معنا، مشروعیت خود را از سرچشمه زلال وحی گرفته و ولایت سیاسی حاکم اسلامی، منبعث از ولایت خداست

که در مرتبه و حیث وجودی خویش، تفسیرپذیر و مقدس است؛ یعنی دین منشأ مشروعیت و مقبولیت حکومت و دولت اسلامی است و دین از توانمندی هدایت انسان در ابعاد و ساحت‌های مختلف برخوردار است و دولت‌ها و حکومت‌ها مجری احکام الهی و کلام خداوند هستند که در پیام وحی به پیامبر (ص) نازل شده و به جانشینان ایشان و امامان معصوم منتقل و در اقوال و روایات این بزرگان نمایان شده و قابل استنباط است؛ بنابراین، دولت اسلامی، دولتی دینی است که ارزش‌ها و اصول خود را از دین اسلام می‌گیرد؛ اما دینی بودن دولت اسلامی، هرگز به معنای ایدئولوژیک بودن آن نیست؛ زیرا هرچند دولت‌های دینی نیز همانند دولت‌های غیردینی، ممکن است در شرایط زمانی و مکانی ویژه‌ای گرایش‌های ایدئولوژیک نشان دهند اما اصولاً مقوله دین بسیار گسترده‌تر است (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۷۸). شاخص اصلی در تمایز حکومت دینی این است که حکومت‌های دینی با وجود داشتن اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک هدف اصلی و عام دارند و آن هدایت بشر برای رشد فردی و جمعی و در نهایت بالابردن انسان در تقرب به خداست (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹: ۴).

ماهیت حق‌های فرهنگی

در ایجاد یک حکومت دینی، عنایت به اصل کرامت و ارزش والای انسان، توأم با مسئولیت او در برابر خداوند یکی از شرایط اولیه ادامه حیات یک نظام دینی است. بر اساس این اصل، انسان دارای گرایش‌های گوناگونی است که وی را به سوی خیر یا شر می‌کشاند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان میثاق ملی کشور و مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به این موضوع واقف بوده و بر اساس مقدمه قانون اساسی، اعتلای جامعه تنها از طریق فراهم نمودن بسترهای مناسب برای افراد جامعه در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن خواهد بود. در پرتو چنین سیاستی است که تحقق یک جامعه مردم‌سالار دینی تنها منحصر به عرصه‌های سیاسی و اقتصادی نبوده و مقوله فرهنگ و نهادهای فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. فرهنگ در مبنای حکومت دینی، در عین حال که هدف است، وسیله هم هست؛ یعنی از یک نظر فرهنگ وسیله‌ای است برای تحقق اهداف دینی و از جهت دیگر دین وسیله‌ای است برای نیل به فرهنگ و اهداف فرهنگی. به عبارت دیگر می‌توان گفت اهداف دینی، اهداف فرهنگی نیز هستند؛ بنابراین فرهنگ و دین در یک جهت قرار می‌گیرند (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸: ۲). بااهمیت‌ترین و باارزش‌ترین ویژگی فرهنگ، پیشرو در جهت ایجاد حیات هدف‌دار بر مبنای تشکل منطقی عناصر آن است

که عالی‌ترین آرمان انسانی است. این تشکل فرهنگی که از عامل هدف‌داری، نمودار می‌گردد، درست شبیه به تشکل منطقی فعالیت‌های روانی است که از عامل هدف‌داری روح سرچشمه می‌گیرد. ایجاد یک فرهنگ زنده، جز با عامل ایدئولوژیک و مذهبی که به وسیله حیات هدف‌دار به وجود می‌آید، امکان‌پذیر نیست (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۵۵). بنابراین حفظ و حراست از فرهنگ به‌عنوان معرف خصلت مشترک عادات، باورها و اندیشه‌ها که مروج و فاق میان هدف‌ها و انسجام عمل در هر جامعه می‌شوند (پهلوان، ۱۳۸۸: ۱۴۶)، از جمله وظایف دولت است که در قالب و ساختار حق‌های فرهنگی، می‌توان به آن دست یافت. در میان شبکه‌ی حق‌ها و آزادی‌های مختلف انسانی مطرح در نظام حقوق بشر، برخی از حق‌ها توجه بیشتری را برانگیخته و برخی نیز به جهات مختلف اولویت لازم را پیدا نکرده و به حاشیه رفته‌اند. «حق‌های فرهنگی»، از جمله حق‌های طیف اخیر است، چنانچه در حوزه‌ی مباحث حقوقی و مطالعات موجود، سهم بررسی‌های مربوط به این حق و تبیین گستره و مؤلفه‌های آن، مطلوب نیست. یکی از دلایل این توسعه‌نیافتگی، وابستگی این موضوع با مفهوم سیال، متغیر و گاه نامفهوم فرهنگ است.

تعریف حق‌های فرهنگی، به گونه‌ای که صرفاً جنبه‌های اصلی حیات انسان احصاء شود، ما را با چالش مضاعفی روبرو خواهد کرد؛ به دیگر سخن تعریف مذکور باید تنها در برگیرنده‌ی آن دسته از جنبه‌های اصلی حیات انسان باشد که به لحاظ ارج و قرب آن‌قدر بالا هستند که از مصادیق حق‌های بشری به شمار آیند و از این رهگذر است که می‌توان از داخل شدن مفهوم «حق فرهنگی» به ورطه‌ی ابتذال جلوگیری نمود. صعوبت کار درست زمانی مشخص می‌شود که برای اطلاق عنوان «حق بشری» و «حق‌های فرهنگی» باید از طریق ترسیم خطی، موارد ضروری که می‌بایست دولت‌ها از طریق ترویج و حمایت، آن‌ها را به مرحله اجرا گذارند، از سایر موارد تفکیک نمود و البته در این عرصه، عناصر زمان و مکان، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. آنچه برای مردمان یک حوزه‌ی جغرافیایی ضروری محسوب می‌شود، برای سایر افراد همان کشور این گونه نیست؛ یا آنچه دیروز مهم به شمار می‌رفت، چه‌بسا امروز از این اهمیت برخوردار نباشد. در این بین نباید فراموش نمود که مقوله «شدت و حدت» نیز حائز اهمیت است؛ به عبارت دیگر بود و نبود اوضاع و احوالی خاص به چه میزان در طرز تلقی ما از «ضروری بودن» و متعاقباً اطلاق عنوان «حق بشری» تأثیر می‌گذارد (استاماتوپولو، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

در یک مفهوم کلی می‌توان گفت: «حق‌های فرهنگی» از زمره‌ی حق‌های بشری هستند

که هدف از آن‌ها تضمین بهره‌مندی صاحبان آن حقوق از فرهنگ و مؤلفه‌های آن در شرایط برابر با حفظ کرامت بشری و عدم تبعیض است (فضائلی، ۱۳۹۶: ۱۳)؛ بنابراین مبنای حق‌های فرهنگی را می‌توان حق بر انجام و بهره‌مندی و دسترسی آزادانه و بدون تبعیض به کالاها و فعالیت‌های فرهنگی در هر یک از حوزه‌های مختلف یاد شده فرهنگ، از جمله عقیده، مذهب، هنجارها، ارزش‌ها و سنت‌ها دانست که می‌تواند به صورت فردی، گروهی یا اجتماعی و به شکل‌های مختلف در قالب ادبیات، شیوه زندگی، فولکلور، موسیقی و ... تجلی و ابراز گردد (کاووسی، ۱۳۹۷: ۱۵۹). البته این تعریف تنها ناظر به رویکرد مادی به حقوق و تکالیف بشر است. با تغییر نگاه به انسان و جهان، تعریف مصادیق و شمول حق‌های فرهنگی نیز تغییر می‌کند. در دیدگاه توحیدی که انسان مقام خلیفه‌اللهی دارد و عبد و ملک طلق خداوند به حساب می‌آید، در مقایسه با دیدگاهی که انسان را محور عالم و موجودی لذت طلب می‌داند، حق‌های فرهنگی متفاوت خواهد بود. کسی که انسان را فقط در بعد جسمانی خلاصه کرده و تشخیص خود انسان را ملاک سعادت و شقاوت او می‌داند، مسلماً تعریفی که از حق‌های فرهنگی ارائه می‌دهد متفاوت از نگاهی است که انسان را جسمانی و روحانی دانسته و سعادت و شقاوت او را در سایه راهنمایی‌های آسمانی می‌بیند (جمال‌الدین زنجانی و حیدر نژاد، ۱۳۹۷: ۴۵) به‌ویژه که در این رویکرد، تعریف فرهنگ نیز ناظر بر ابعاد معنوی وجود انسان به صورت «کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تضعیف‌شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد»؛ تعریف شده است (علامه جعفری، ۱۳۸۶، ۱۲۹) بنابراین حق‌های فرهنگی در این مبنا، مشتمل بر آن امور ثابت و لایتغیر در حوزه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای بشر است که با حقیقت وجودی وی مطابقت دارد (داوری، ۱۳۸۹: ۹۷). در این مبنا، «حق‌های فرهنگی»، مجموع حقوق و تکالیف فرهنگی هستند که ۱. با حقیقت انسان‌ها و جامعه تطابق دارد و ۲. این حقوق و تکالیف در ارتباط افراد با یکدیگر یا جامعه یا حکومتی است که تدبیر امور آن‌ها را برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی بر عهده دارد (مقدمه و فصل اول قانون اساسی شاهدی است بر این مطلب که سهم قابل توجهی از جهت‌گیری‌های فرهنگی را به خود اختصاص داده است).

نهاد مسجد به مثابه حق فرهنگی

نهادمندی دیرپا و ساحات کار ویژه گوناگون مساجد، آن را به تأثیرگذارترین نهاد فرهنگی، در جامعه ایرانی مبدل ساخته و موجبات نقش‌آفرینی آن در زمینه‌های گوناگون در حیات

اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره اسلامی را به‌انحاء مختلف فراهم آورده است. در واقع مسجد در فضای عمومی جامعه ایرانی به‌هیچ‌وجه در مقام مکانی جهت عبادت صرف پروردگار باقی نمانده و در دوره‌های تاریخی مختلف بنابر شرایط جامعه و نیز مبتنی بر جایگاه روحانیت و نهاد مسجد در کلیت ساختار سیاسی، اجتماعی کشور در ساحت‌های مختلف ورود یافته است، مساجد به‌عنوان اصیل‌ترین نهاد فرهنگی برخاسته از اندیشه دینی ظرفیت‌های نهفته‌ای در ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، اثبات و اشاعه حقوقی همچون، حق دینداری، مشارکت فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر و ... دارند و مانند هر پدیده دیگری تنها در صورت برخورداری از مدیریت صحیح می‌توانند نقش خود را به بهترین وجه در مناسبات ایفا کنند. در واقع مسجد به‌عنوان مرکز فرهنگ‌سازی اسلامی و نهاد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در تمام زمینه‌ها، به‌صورت محسوس و نامحسوس در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند (مجیری و لمسه‌چی، ۱۳۹۱: ۲). تعریف نهاد مسجد به‌عنوان یک حق فرهنگی، از روح تعریف علامه جعفری از فرهنگ با تأکید بر مؤلفه پیشرو بودن آن، قابل استفاده است. از نظر ایشان فرهنگ پیشرو، در محاصره آن نموده‌ها و فعالیت‌هایی که تحت تأثیر عوامل سیال زندگی و شرایط زودگذر محیط و اجتماع قرار می‌گیرند، نمی‌افتد؛ زیرا عامل محرک این فرهنگ، واقعیات مستمر طبیعت و ابعاد اصیل انسانی است و هدف آن عبارت است از آرمان‌های نسبی که آدمی را در جاذبه هدف اعلای حیات به تکاپو درمی‌آورد (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۵) و از نظر ایشان بااهمیت‌ترین ویژگی فرهنگ پیشرو که به دنبال حیات هدفدار به تکاپو می‌افتد، تشکل منطقی عناصر فرهنگ است که عالی‌ترین آرمان انسان است. این تشکل فرهنگی که از عامل هدف‌داری، نمودار می‌گردد، درست شبیه به تشکل منطقی فعالیت‌های روانی است که از عامل هدف‌داری روح سرچشمه می‌گیرد. ایجاد یک فرهنگ زنده جز با عامل ایدئولوژیک و مذهبی که به‌وسیله حیات هدفدار به وجود می‌آید، امکان‌پذیر نیست (داوری، ۱۳۸۹: ۸۸). به‌این ترتیب برای وصل به مقام والای برادری و برابری و وحدت معقول و آزادی مسئولانه در جوامع انسانی، به‌ضرورت باید از عناصر فرهنگی عالی مانند اخلاق برانزده و صفت‌های کمالی مانند عدالت، نوع‌دوستی، احساس تکلیف، تعهد در برابر افراد جامعه و دریافت شکوه والای هستی از راه قانون‌مندی و زیبایی آن که انسان را از نزدیک‌ترین راه‌ها به مبدأ و خالق قانون اتحاد انسان‌ها می‌رساند برخوردار گشت و هیچ راه دیگری برای وصول به این آرمان اعلاء وجود ندارد (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۹). نگاهی به ماهیت مسجد و کارکردهای این

نهاد مذهبی - فرهنگی در طول تاریخ نشان می‌دهد که هویت اصلی مسجد با این موارد پیوند خورده است به گونه‌ای که در نهایت منجر به تعیین و تثبیت فرهنگ پیشرو برای افراد جامعه خواهد بود که شهروندان جامعه اسلامی باید باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های خود را با آن فرهنگ پیشرو تطبیق دهند. در این صورت نه تنها می‌توان نهاد مسجد را به مثابه حق فرهنگی دانست بلکه این حق خود در نهایت منجر به تأمین حق‌های فرهنگی دیگری از قبیل آموزش، مشارکت فرهنگی و هنری، امر به معروف، حق بر مذهب و عقیده، حق بر سنت‌ها و ... خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

نقش دولت دینی در تأمین حق‌های فرهنگی

دو راه کار در خصوص جایگاه و نقش دولت در تأمین حق‌های فرهنگی، وجود دارد، یکی دستیابی به الگویی مطلوب در خصوص نقش دولت و میزان اختیارات و دخالت‌های آن در امور فرهنگی با توجه به آرمان‌ها و تنگناها و تجارب موجود و انطباق نقادانه این الگو با الگوی برآمده از بررسی و بازبینی قانون اساسی است. دیگری واکاوی مستقیم و بلا واسطه قانون اساسی، بدون توجه به الگوی مطلوب به منظور شناخت نقش و جایگاه پیش‌بینی شده دولت در زمینه فوق است.

مطابق اصل سوم قانون اساسی برای دست یافتن به جامعه نمونه و سالم، حکومت موظف است محیط مساعدی برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند؛ اما خطر فساد و تباهی همواره هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند؛ به همین دلیل است که مبارزه با مظاهر فساد و تباهی در بند یک اصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه، پاک‌سازی محیط‌های اجتماعی باید در برنامه‌های حکومت قرار داشته باشد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۶۵). بر مبنای این اصل، نمی‌توان نقش دولت را تنها در تأمین زندگی مادی و اقتصادی جست‌وجو کرد و نباید از نقش دولت در تأمین حقوق معطوف به ابعاد معنوی زندگی شهروندان و ایجاد امنیت در حیات معنوی غافل بود. در واقع باید عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را عرصه‌های یک کلیت واحد دانست که رابطه حکومت و مردم در همه این عرصه‌ها، لزوماً باید از آن تبعیت کند و مشروعیت این رابطه نیز از فرهنگ به دست می‌آید. البته نباید از نظر دور داشت، به جهت عدم صراحت قانون اساسی بر حق‌های فرهنگی، تفسیر موسع از بندهای قانون اساسی و حتی امکان بهره‌مندی از

منابعی به جز قانون اساسی در هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، راهگشا خواهد بود.

اصول فرا قانون اساسی هسته مقدس و ناملموسی را تشکیل می‌دهند که به گمان حقوق‌دانانی همچون لویی فارو حتی «قوه بنیان‌گذار» هم صلاحیت دستکاری در آن‌ها را ندارد (گرجی، ۱۳۸۸: ۲۲۸). اصول فراقانون اساسی همان مبانی، منابع دین مبین اسلام است که در اصول و فصول مختلف قانون اساسی تبیین شده‌اند؛ بنابراین حکومت دینی ابزار و وسیله‌ای برای دین است و به‌تنهایی ارزش مستقلی ندارد، بلکه ملاک ارزش‌گذاری‌اش میزان اثر آن در اجرای اهداف دین است. هدف غایی حکومت تعالی یافتن و نورانی شدن انسان است. این هدف که از هدف والای رسالت و نزول قرآن گرفته شده، غرض اصلی حکومت اسلامی را رقم می‌زند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۲۵). از این منظر هدف از برقراری حکومت، قرب الهی، کمال انسان و لقاءالله است. اصول و مبانی‌اش هم همان است که انبیاء آوردند و خط‌مشی عملی انسان به استناد همین اصول و مبانی تنظیم و تدوین می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۸۷).

ملهم از این جهان‌بینی، وظایف مسئولین در حکومت دینی منحصر در وظایف سیاسی و اقتصادی نیست، بلکه آنان در قبال معنویت مردم هم مسئولیت دارند. اگر مردم از لحاظ اخلاقی و روحی عقب‌گرد داشته باشند، مسئولان کشور نمی‌توانند خودشان را برکنار بدانند؛ لذا مسئولیت معنویات مردم بر دوش مدیران کشور در طبقات مختلف است. در جامعه توحیدی حکومت باید سیاست‌گذار و حامی فرهنگ دینی باشد، اما به‌گونه‌ای که این سیاست‌گذاری و حمایت به تصدی‌گری و دولتی‌شدن دین منجر نشود. دولت دینی موظف است فرهنگ دینی مردم را توسعه دهد و این بخشی از حقوق اجتماعی مردم بر والیان است. دولت در برابر دین و باورهای فکری و فرهنگی مردم مسئول است، اما در این فرایند نباید به استقلال دین، حوزه و روحانیت آسیبی وارد شود و دین از حالت جوهری و اصیل آن به‌صورت ابزاری درآید (افروغ، ۱۳۸۲: ۳۷).

اتخاذ این رویکرد به معنای بی‌توجهی به شرایط متغیر جامعه در سطح ملی و بین‌المللی یا نادیده گرفتن برخی مصالح و منافع جامعه نیست. صرف‌نظر از مسائل متفاوتی که در زمینه هستی‌شناسی اجتماعی وجود دارد، در بحث از جامعه، مقوله‌های عرف، آزادی، عدالت و ... جایگاه مهمی دارند، به‌ویژه که عرف به علت توانایی در تولید ارزش‌ها و هنجارها، عرصه رقابت قدرت‌های سیاسی است (اشتریان، ۱۳۸۹: ۸۱). ریشه‌های بحث از حدود مداخله حکومت اسلامی در حوزه فرهنگی، در ارتباط

با مقوله «آزادی» تعریف می‌شود. عدالت نیز نوعی نظام پاداش و کیفر است که زندگی اجتماعی را برای انسان پیش‌بینی‌پذیر می‌کند پس طبیعی است که تلقی از این مفاهیم و رویه‌ها بر فرهنگ عمومی جامعه و نظام سیاست‌گذاری آن مؤثر خواهد بود (جمشیدی، ۱۳۹۳: ۱۴).

نظریه‌پردازان توسعه فرهنگی در کنار نقش بااهمیتی که به مشارکت فرهنگی می‌دهند، از موانع ساخت‌یافته و تاریخی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر سر راه مشارکت نیز آگاه‌اند، به همین دلیل جایگاه ویژه‌ای برای حکومت و سیاست‌های فرهنگی برای مبارزه با این موانع قائل هستند (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۴۳). این اهتمام از آن روست که هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه، نمی‌تواند محقق شود (قانون اساسی، ۱۳۷۳: ۳۶). چنانچه حضرت امام خمینی (ره)، می‌فرمایند: سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد و تعالی مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به سمت آن چیزی که صلاحش هست (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۳۲).

بنابراین در اسلام دولت از ضروریات است و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ لذا در عرصه فرهنگ نیز مسئولیت خطیری را بر عهده دارد. در دیدگاه اسلامی حکومت و مردم در رابطه با موضوع فرهنگ، تأثیر و تأثر متقابل دارند. دولت‌ها با توجه به امکانات و اقتداری که دارند می‌توانند در همه مسائل، به‌ویژه مسائل فرهنگی منشأ خیر یا شر باشند. طبق عبارت معروف «الناس علی دین ملوکهم» حکومت‌ها نقش بسزایی در زندگی مردم دارند. در مقابل نیز فرهنگ و اعتقادات مردم است که نوع حکومت و نحوه اعمال قدرت و سمت‌وسوی آن را در جامعه مشخص می‌کند (جمال‌الدین زنجانی و حیدرنژاد، ۱۳۹۷: ۴۵). مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به وظیفه حکومت در راستای رشد اخلاق، معنویت و فرهنگ تأکید دارند و وظیفه حکومت را در این راستا، داشتن منش و رفتار اخلاقی، ایجاد زمینه رواج آن در جامعه و مبارزه با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق به شیوه‌های معقول و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای تعریف نموده‌اند.

وظایف دولت در زمینه تأمین حق‌های فرهنگی، شامل مکانیسم‌هایی است که

دولت از طریق آن‌ها بر تصمیمات تأثیر می‌گذارد. وظایف دولت در حوزه «حق‌های فرهنگی» با قانون‌گذاری مرتبط است که عبارت است از مکانیزم ایجاد کنترل عمومی بر نهادهای ارائه‌کننده خدمات (عموماً بخش غیردولتی) با هدف تأمین منافع عمومی و از طریق تدوین و اجرای مجموعه‌ای از استانداردها و ضوابط تخصصی یا مجموعه‌ای از مداخلات حاکمیتی توسط نهاد تنظیم‌گر، با استفاده از ابزار حقوقی و قانونی با هدف تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی و تضمین منفعت عمومی (زرودی و بشیر، ۱۴۰۰: ۵۳۶). در حوزه قانون‌گذاری طبق نظر شهید صدر، بخشی از قوانین اسلام ثابت و تغییرناپذیر هستند؛ این احکام بخش ثابت قانون اساسی حکومت را تشکیل می‌دهند و در مواردی که شریعت احکام الزام‌آوری مبنی بر وجوب یا حرمت نداشته باشد؛ یعنی در حوزه منطقه‌الفرغ که بخش منعطف در هر نظام اقتصادی یا فرهنگی و ... است - قانون‌گذاری بر عهده ولی‌امر است که می‌تواند به قوه مقننه، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کند تا قوانین را مطابق مصلحت، وضع کنند. گاهی لازم است که برای یک هدف تربیتی مانند رشد و ارتقای فضایل اخلاقی جامعه، دولت مداخله کند و با سیاست‌های حمایتی مستقیم و غیرمستقیم، از یک نهاد فرهنگی حمایت کند. حکومت دینی می‌تواند با توجه به وظایف فرهنگی که بر عهده دارد، ورود کرده و زمینه قرب و تکامل جامعه را از طریق قانون‌گذاری فراهم کنند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳) و البته نمی‌توان به‌طور کلی، قائل به مداخله حداقلی یا حداکثری شد؛ چراکه ممکن است شرایط به‌گونه‌ای باشد که در برهه‌ای از زمان یا در خصوص موضوعی خاص، علاوه بر وظیفه قانون‌گذاری، نیاز به تصدی‌گری از جانب دولت باشد.

وظایف فرهنگی دولت در قبال مسجد

با توجه به پیوستگی مسجد و حاکمیت اسلامی و نیز گستردگی و وسعت مساجد در کشور، این نهادهای دینی نمی‌توانند خارج از خط‌مشی دولت، تصور شوند، چراکه، وظایف عبادی مسلمانان صرفاً جنبه فردی و شخصی ندارد بلکه در عین نیاز به قصد قربت، با ابعاد گوناگون سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی توأم است. از این جهت، با جامعه و حکومت ارتباط می‌یابد؛ لذا با حاکمیت نظام اسلامی بر جامعه، زمینه اجرای کامل این قوانین فراهم می‌گردد (جمال‌الدین زنجانی و حیدرنژاد، ۱۳۹۷: ۵۶). پس در این راستا، حکومت باید مسجد را در نظام اسلامی، اعتلاء و ارتقاء بخشد تا به مسجد طراز اسلامی نائل شویم. مسجد طراز اسلامی نمی‌تواند بدون حکومت شکل

بگیرد و آن جایگاه عالی و رفیع را پیدا کند و در این میان سیاست‌گذاری به‌عنوان ابزار منطقی رسیدن به هدف، از مؤلفه‌های اساسی دولت‌ها به‌حساب می‌آید. البته لازم به ذکر است که این سیاست‌گذاری در معنای موسع و کلی آن با تکیه بر مرجعیت دولت نیست. بلکه مراد از آن، محدود کردن قدرت سنتی سلسله‌مراتبی (بالا- پایین) و تغییر مسیر آن به‌سوی تصمیم‌های جمعی (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱) و در قالب سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز قابل توجه است. بر اساس رویکرد سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز در اداره مساجد، اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی به‌صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام می‌شود. به‌عبارت‌دیگر این رویکرد قائل به مشارکت عموم مردم و عموم دستگاه‌های کشور در مدیریت مساجد است. در این نگاه مردمی بودن مساجد و مشارکت دولت در توسعه مساجد کشور نباید در تزاخم و تعارض یکدیگر قرار گیرد. بلکه دولت باید چنان در توسعه مساجد کشور مشارکت کند که مشارکت وی باعث افزایش مشارکت مردم شود (باهنر و فرخی، ۱۳۹۳: ۲۰). پیرو اتخاذ این بعد از سیاست‌گذاری در خصوص مساجد از سوی دولت، نحوه ورود به حوزه مساجد در قالب سه رویکرد ترویجی و تعمیقی، حمایتی و ضمانتی قابل توجه است.

رویکرد ترویجی و تعمیقی

با توجه به اهمیت جایگاه مساجد در یک جامعه دینی و به‌تبع آن محوریت مردمی آن، در این رویکرد نقش حکومت پیرامون مسجد را می‌توان در قالب رویکرد ترویجی و تعمیقی توجیه نمود. ترویج دربرگیرنده هر چیزی می‌شود که زمینه دستیابی فرد یا گروه را به زندگی فعال‌تر فراهم کرده و شخصیت و استقلال افراد را حفظ می‌کند (ژیرارد، ۱۳۷۲: ۸۲)؛ بنابراین دولت می‌تواند با ترویج و تعمیق جایگاه مسجد به‌ویژه از ابعاد فرهنگی، زمینه مناسبی را برای مشارکت هر چه بیشتر مردم فراهم کند. به‌عنوان مثال ماده ۱۰۶ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۶/۱۱/۱۳۸۳ را می‌توان نمونه‌ای از این رویکرد دانست. در این ماده بر تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی و نیز تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه تأکید شده است. البته نباید از نظر دور داشت که بر مبنای اصل مردمی بودن مساجد، دولت نباید و نمی‌تواند در اموری همچون تعیین امام جماعت، هیئت‌امنا و ... مداخله نماید. اگر ائمه جماعت را دولت انتخاب کند، ولی مردم آن‌ها

را نخواهند چه فایده دارد. امام جماعت باید موردقبول مردم باشد و آن را نمی‌توان به مردم تحمیل کرد و اگر اوقاف در مساجد دخالت کند درست نیست. باید مساجد در اختیار مردم قرار گیرد.^۱

رویکرد حمایتی

از رویکردهای مهم در ارتباط با مداخله حکومت مرتبط با حوزه مسجد، رویکرد حمایتی است که در آن حکومت وظیفه پشتیبانی و حمایت از مساجد را بر عهده می‌گیرد. رویکرد حمایتی، شامل پشتیبانی و حمایت دولت از نهادهای فرهنگی در جهت اعتلای ارزش‌های فرهنگی در جامعه بوده و از طریق اتخاذ خط‌مشی‌های ویژه برای اعمال حاکمیتی خود قابل‌تعریف است (حسینی، ۱۳۸۴: ۴۴)؛ بنابراین دولت می‌تواند با پرداخت و ایجاد بودجه‌هایی برای مساجد به حمایت از آن اقدام نماید. این رویکرد در اقدام‌های زیر از سوی دولت، قابل‌توجه است:

۱. اختصاص زمین رایگان جهت ساخت مسجد؛

۲. رایگان نمودن هزینه‌های آب و برق مساجد؛

۳. اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد؛

۴. تأمین معیشت امامان جماعت.

رویکرد ضمانتی

دولت دارای بالاترین قدرت در بین گروه‌های اجتماعی است. به گفته گرامشی، قدرت دولت در نهادهای او است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶)، بنابراین می‌توان بیان داشت که نهادهای دولتی از جمله نهادهای قانون‌گذاری دارای نقش بسزایی در تعیین وظایف دولت نسبت به مسجد به‌مثابه حق فرهنگی هستند. به همین دلیل ضروری است که حکومت در حوزه مساجد با تمرکز بر قانون‌گذاری، ورود کند. به‌طور کلی بررسی وظیفه دولت در توجه به جایگاه «مساجد به‌مثابه حق فرهنگی» و تبیین رویکرد ضمانتی دولت نسبت به این حق از طریق واکاوی اسناد بالادستی (قانون اساسی، قوانین توسعه، سند چشم‌انداز و اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) که به سایر قوانین جهت‌دهی می‌کنند، ممکن خواهد بود.

قانون اساسی

بنابر آنچه در مقدمه قانون اساسی ذکر شده است، حکومت اسلامی تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به‌سوی هدف نهایی که حرکت به‌سوی الله است بگشاید بر

این اساس، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن، انسان‌ها با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابند. در همین راستا با توجه به اهمیت عبادات در طی این طریق، حکومت اسلامی موظف به هدایت‌گری و انقیاد امت به سوی این اهداف متعالی است. چنانچه در اصل سوم، دولت موظف شده است به منظور تحقق اهداف مندرج در اصل دوم قانون اساسی که مبتنی بر آن، جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل، کرامت انسانی، اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط و ... شکل گرفته است، همه امکانات خود را به کار بندد. مسلماً یکی از مصادیق مهمی که جهت مساعد ساختن محیط برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا باید در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دولت، مورد توجه قرار بگیرد، تقویت رفتار و گرایش‌های دینی با تمرکز بر ظرفیت‌های نهاد مذهبی مسجد است. چنانچه در مقدمه قانون اساسی مساجد به عنوان سنگر، به عنوان اولین و اصلی‌ترین مرجع در بالابردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان مورد تصریح قرار گرفته‌اند.

درواقع مطابق با این اصل، یکی از محیط‌های مناسب جهت رشد فضایل اخلاقی مردم، مبارزه با مظاهر فساد و تباهی و ایجاد مودت، تعاون عمومی و برادری اسلامی، مساجد هستند (قانون اساسی، ۱۳۷۵). کلیت فضای گفتمانی و حاکم بر قانون اساسی، مبین اهمیت مسجد و اتخاذ رویکردی ایجابی- تأکیدی در بخش فرهنگی نسبت به آن است (حاج‌علی‌اکبری، ۱۳۹۲). همچنین با مذاقه بر نسبت میان اصل سوم و مسجد، به این نکته می‌رسیم که یکی از واقعیت‌هایی که نهاد فرهنگی همچون مسجد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد قدرت سیاسی یا حکومت است؛ به عبارت دیگر، امروزه گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن دولت، صورت می‌گیرد (وحید، ۱۳۸۲: ۱۵۲). دولت‌ها هم به جهت تبلیغ آرمان‌ها و هدف‌های ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به مقاصد سیاسی خویش و هم بنا به کارکردهای جدید که پیدا کرده‌اند و انتظاراتی که در دوران حاضر به وجود آورده‌اند، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی را بر عهده می‌گیرند و در این جهت نقش و مسئولیتی آگاهانه را می‌پذیرند و در مجموع تأثیر چشمگیری را ایجاد می‌کنند (همایون و فروزان، ۱۳۸۸:

۶۴)؛ بنابراین دولت و نهادهای متصدی باید با الهام از قانون اساسی و بر پایه حقوق قابل استنباط فرهنگی برای شهروندان خود نسبت به فراهم نمودن دسترسی آنان به حقوق فرهنگی در حوزه باور و گرایش و رفتار، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نمایند. قوانین توسعه

قوانین برنامه توسعه، گامی در حقوقی کردن سیاست‌های کلی نظام هستند. با این توضیح که سیاست‌های مذکور از طریق این قوانین، کمی، جزئی و دارای ضمانت اجرای حقوقی می‌گردند؛ ولی نباید ماهیت سیاستی و برنامه‌ای آن، مغفول واقع شود و تبدیل به عرصه قانون‌گذاری نظیر سایر قوانین شود. بلکه در اینجا قانون‌گذار ضمن اینکه از جهت صوری و تشریفاتی به برنامه‌ها ضمانت اجرا می‌دهد، قواعدی جهت تقسیم‌کار در بین فرمانروایان وضع می‌کند تا زمینه اجرای سیاست‌ها فراهم گردد. به عبارت بهتر، قوه مقننه از طریق قوانین برنامه توسعه در بازه زمانی پنج‌ساله، در پی تدوین و تصویب اهداف و برنامه‌های جامع حکومت بر اساس اسناد بالادستی همانند قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی است؛ به صورتی که اهداف و برنامه‌های جزئی شده و سنجش‌پذیر در این قوانین وارد می‌شود (طحان نظیف و هادی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۸).

در بررسی قوانین برنامه توسعه مشخص می‌شود که اگرچه در تدوین احکام، انسجام، یکپارچگی و استراتژی مشخصی نسبت به مساجد وجود ندارد، اما نمی‌توان از رویکرد حمایتی حکومت از مساجد، غفلت نمود. بر مبنای این رویکرد که در آن حکومت وظیفه پشتیبانی و حمایت از مساجد را برعهده می‌گیرد، حکومت باید به صورت غیرمستقیم و هدفمند از سیاست‌های تشویقی و انگیزشی در جهت حمایت از مساجد اقدام نماید.

قانون برنامه اول توسعه

در قانون برنامه اول توسعه، به دلایل مختلفی از جمله اینکه کشور در فضای پس از جنگ قرار داشت و نیاز به بازسازی عمرانی کشور بود، رویکرد حداقلی به بخش فرهنگ و به تبع آن نهاد دینی مسجد شده است. در عوض توجه به اقتصاد، سازندگی، اصلاح سازمان مدیریتی کشور، بازسازی مراکز تولیدی و خسارت‌دیده در طول جنگ از اهداف این برنامه بوده است. به‌رغم این عدم توجه، در سال نخست این برنامه (۱۳۶۸)، مقام معظم رهبری، جهت سامان‌دهی به امور مساجد؛ آیت‌الله مهدوی‌کنی را مأمور تشکیل مرکزی برای رسیدگی به امور مساجد کردند (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۵).

قانون برنامه دوم توسعه

در قانون برنامه دوم توسعه، شاهد تبیین وظایف و توزیع اعتبارات دولتی به منظور تحقق اهداف فرهنگی هستیم که به موجب آن به برخی نهادهای دینی از جمله مسجد اشاره شده و برنامه‌هایی ذیل آن تدوین شده است. در این برنامه بر اهمیت نهاد مسجد و کارکردها و ظرفیت‌های آن در قیاس با برنامه اول، بیشتر تأکید شده است و در کنار اشاره‌های ضمنی به این نهاد مذهبی، به صورت مستقیم و با قائل شدن به کارکرد دینی، معنوی و فرهنگی برای مسجد، موضوع دو بند از تبصره‌ها و اهداف کلان برنامه دوم توسعه است.

تمرکز بر ظرفیت مسجد در رشد فضائل اخلاق اسلامی و ارتقاء کمی و کیفی فرهنگ عمومی از طریق سیاست‌گذاری در فعالیتهای فرهنگی و توسعه فعالیت‌های مسجد در بند ۲ و ۱۶، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در تبصره ۶۰ برنامه دوم توسعه، دولت موظف به فراهم‌سازی امکاناتی جهت پربار کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و بالندگی نسل جوان کشور شده که بند «ل» این تبصره به توسعه و تجهیز کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد اختصاص یافته است.

قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه

برنامه سوم توسعه طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ به مرحله اجرا درآمد. این برنامه با استفاده از تجربه و عملکرد برنامه‌های اول و دوم توسعه تهیه و تدوین شد. در این برنامه، سعی شد که به جنبه‌های مختلف فرهنگ پرداخته شود و مطالب مرتبط با آن در برنامه گنجانده شود (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵۸). در این قانون به نسبت دو قانون پیشین رویکرد حمایتی دولت نسبت به «فرهنگ» ذیل فصل بیست و یکم، پررنگ‌تر و قابل توجه است. چنانچه ماده ۱۶۳ به صورت صریح به سیاست‌های حمایتی از مساجد اختصاص یافته است.

ماده ۱۶۳ - با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساخت‌وساز، احیاء، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی، دستگاه‌های اجرایی این ماده موظف هستند طی سال‌های اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

الف) وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های مسئول در زمینه طراحی و اجرای طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهری و روستایی، موظف‌اند طرح‌های مذکور را با محوریت مساجد تهیه و اجرا کنند.

ب) وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها موظف هستند در کلیه شرکت‌های جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه، در اختیار متقاضیان احداث مساجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج، قرار دهند و قیمت اراضی را در هزینه‌های مربوط به آماده‌سازی منظور کنند.

ج) وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت، موظف‌اند به‌منظور تسهیل دسترسی مسافران به اماکن مذهبی با انجام هماهنگی‌های لازم از محل اعتبار عمرانی و جاری خود نسبت به احداث مسجد یا نمازخانه و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های موجود و جدیدالاحداث، در پایانه‌های مسافربری و پمپ‌بنزین‌های بین‌شهری اقدام کنند.

د) وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهای مذهبی را به‌عنوان هزینه قابل قبول منظور کند.

د) شهرداری‌های و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور موظف‌اند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارک‌های ملی و عمومی، حسب مورد برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.

و) باهدف اعتلای جایگاه مساجد و مدرسه در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی محلات، روستاها و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیتهای سازمان‌دهی شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری، گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، اقدامات ذیل در سال‌های برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد:

۱. حمایت مالی، قانونی و حقوقی از پژوهش‌های کاربردی باهدف شناخت راهکارهای اجرایی برای ارتقاء جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی کشور؛

۲. تعریف فعالیتهای آموزشی، فرهنگی و هنری مشترک مسجد و مدرسه در آیین‌نامه‌ها و مقررات بخش‌های آموزش، فرهنگ، هنر، تربیت‌بدنی و ورزش. (ز) به‌منظور ساماندهی نحوه اختصاص و مصرف منابع اعتباری دولت در زمینه‌های احیاء و بازسازی مساجد، کمک به مراکز تحقیقاتی حوزه‌های علمیه، فعالیتهای مربوط به تبلیغات دینی و باهدف تقویت و متناسب کردن مشارکت مردمی در

تأمین منابع این فعالیت‌ها. سازمان تبلیغات اسلامی موظف است طی یک سال در چارچوب رهنمودهای مقام معظم رهبری و مشورت با مراجع ذی‌ربط و انجام مطالعات لازم با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه طرحی را تهیه و به دولت ارائه دهد تا پس از بررسی و تصویب، مبنای پیش‌بینی و مصرف منابع دولتی در این امور قرار گیرد. تبصره - دولت موظف است در مناطق روستایی در صورت پنجاه درصد خودیاری مردم برای احداث مسجد، پنجاه درصد باقیمانده را تأمین نماید. نکته قابل توجه در این ماده، عدم توجه جدی به استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و حداکثری مساجد است و تنها در بند «و» به صورت ضمنی به رابطه دو نهاد اثرگذار مسجد و مدرسه اشاره شده است.

قانون برنامه چهارم

قانون برنامه چهارم توسعه، سندی است که چارچوب و مسیر توسعه کشور را برای سال‌های (۱۳۸۳ - ۱۳۸۹) ترسیم و تعیین کرده است. این برنامه نخستین برنامه‌ای بود که پس از تدوین «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران» و ترسیم مشخصات جامعه ایران در افق ۱۴۰۴، تدوین می‌شد. بر این اساس، برنامه‌ریزان در مقایسه با برنامه‌های گذشته توجه و اهمیت بیشتری برای حوزه فرهنگ و مسائل اجتماعی قائل شدند. فصل نهم برنامه چهارم توسعه، نخستین گام برنامه‌ریزی برای تحقق فرهنگ سازنده و تقویت‌کننده پرورش انسان مطلوب یا شهروندان و جامعه ترسیم شده در سند چشم‌انداز است. در همین راستا بنده «ه» از ماده ۱۰۶ دولت را مکلف نموده به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد توسط سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم. را مورد توجه قرار دهد. بر مبنای این ماده وظیفه دولت تنها به امر سیاست‌گذاری منحصر نشده و ناظر به برنامه‌ریزی و ارائه پشتیبانی از طریق هم‌افزایی میان نهادهای مذکور است.

قانون برنامه پنجم توسعه

بخش فرهنگ در قانون برنامه پنجم توسعه، آمیزه‌ای از تعیین اهداف کیفی و طرح سیاست است. این هدف از جمله تعیین ارزش‌ها، باورهای فرهنگی مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی، نشر فرهنگ و معارف اسلامی، توسعه فضاهای مذهبی و ... در تعریف

هنجاری حوزه فرهنگ، قرار می‌گیرند. مهم‌ترین ویژگی قانون برنامه پنجم توسعه، تطهیر فضای عمومی جامعه و تربیت عمومی به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد مورد انتظار از فرهنگ است. در جهت تحقق این کارکرد، ماده ۶ با سیاست توسعه فضاهای مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر انجام اقدامات ذیل با نگاهی توسعه‌گرا، تصریح نموده است:

۱. وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها، موظف هستند در شهرک‌ها و شهرهای تازه تأسیس اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی، در اختیار متقاضیان احداث مسجد قرار دهند؛

۲. مالکان اماکن تازه تأسیس موظف‌اند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث کنند؛

۳. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری‌ها موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام نمایند؛

۴. کلیه دستگاه‌های اجرایی آموزشی، بیمارستان‌ها و ... اعم از دولتی یا غیردولتی، موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام کنند؛

۵. وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت موظف‌اند نسبت به احداث، نگهداری و مدیریت مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین‌شهری از طریق بخش غیردولتی اقدام نمایند؛

۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به‌منظور ارتقای کارکرد فرهنگی هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مسجد تا پایان برنامه با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا پایان برنامه حداقل یک‌چهارم مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت برخوردار از قانون فرهنگی و هنری باشند.

قانون برنامه ششم توسعه

برنامه ششم توسعه، سومین برنامه از سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور محسوب می‌شود که در اواخر سال ۱۳۹۵ برای یک دوره پنج‌ساله (۱۳۹۶ - ۱۴۰۰) به تصویب رسید. در این برنامه از مجموع ۱۲۴ ماده قانون، ۲۸ حکم مربوط به حوزه فرهنگ است؛ و از این میان ماده ۹۵ در ۶

بند، به صورت مشخص به سیاست گذاری فرهنگی دولت نسبت به نهاد مسجد، اختصاص یافته است. بر اساس این ماده ضروری است در جهت بهره گیری بهینه و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی:

الف) وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری ها، در طراحی و اجرای طرح های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک ها و شهرهای جدید الاحداث، اراضی مناسب برای احداث مساجد و خانه عالم در جوار مساجد جهت استفاده امام جماعت همان مسجد پیش بینی کنند و پس از آماده سازی بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند.

ب) مالکان مجتمع های تجاری، اداری و خدماتی جدید الاحداث موظف اند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند. دستورالعمل این بند شامل تعداد واحدهای این مجتمع ها و مکان احداث در چهارچوب نقشه های مصوب به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری برسانند.

پ) سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری ها موظف اند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در بوستان های ملی و بوستان های شهری اقدام کنند.

ت) کلیه دستگاه های اجرائی، مراکز آموزشی، بیمارستان ها و مراکز درمانی، مجموعه های ورزشی، مجتمع های رفاهی، تفریحی و مجتمع های تجاری اعم از دولتی یا غیردولتی، موظف اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند.

ث) وزارتخانه های راه و شهرسازی و نفت موظف اند تمهیدات و اقدامات لازم را جهت احداث مسجد و نمازخانه در پایانه های مسافربری و جایگاه های عرضه سوخت بین شهری و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه های مذکور از طریق بخش غیردولتی به عمل آورند.

ج) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون های فرهنگی و هنری بر اساس بودجه سنواتی برخوردار گردند.

اگرچه در این ماده دولت تلاش داشته است تا از سطح سیاست‌گذاری فراتر رفته و نسبت به برنامه‌ریزی و ارائه انواع پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اقدام کند، اما به جهت عدم اولویت برنامه‌ای برای دستگاه‌های مکلف مذکور، نظارت پایین بر عملکرد مراکز موظف شده در تکلیف حاضر و ضمانت اجرای پایین، توفیق چندانی در این حوزه حاصل نشد.

قانون برنامه هفتم توسعه

در فصل ۱۵ لایحه برنامه هفتم توسعه با عنوان ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه، در مجموع چهارده ماده از ماده ۷۴ تا ۷۷ به بخش فرهنگ عمومی اختصاص یافته است. البته لازم به ذکر است که این مواد در رویکرد مسئله‌محوری و اثربخشی ضعف دارند و لازم بود این منظور، به‌منظور اثربخشی بیشتر، از رویکرد برنامه‌محوری به سمت رویکرد مسئله‌محوری تغییر جهت دهند تا با نگاهت نهادی مطلوب، دستگاه‌های فرهنگی را مسئولانه در قبال مسائل فرهنگی پاسخگو کرد. شاید از جایگاه همین ضعف است که تنها در ماده ۷۴ و بند ت ماده ۷۵ به صورت ضمنی به جایگاه مساجد اشاره شده است. ماده ۷۴ ذیل جدول اهداف کمی سنجه‌های عملکردی ارتقای فرهنگی عمومی جامعه تأسیس ۱۰ هزار مسجد در سال را مورد توجه قرار داده است. همچنین بند (ث) از ماده ۷۵، در جهت استفاده از ظرفیت مساجد و به‌منظور مردمی‌سازی فعالیت‌های فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مکلف نموده با همکاری مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان بسیج مستضعفین، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه با کسب نظر شورای عالی حوزه‌های علمیه و شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه و شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی اقدامات قانونی لازم را برای تهیه و تصویب طرح مسجدمحوری در محلات ظرف سه‌ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون پس از طی تشریفات قانونی انجام دهد.

مسجد و اصول سیاست فرهنگی

«اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان سند و الگویی جهت تطبیق برنامه‌های توسعه با آن، در سال ۱۳۷۱ به تصویب رسیده است. بر اساس این سند، سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی برآمده از جهان‌بینی اسلامی است. در این سند، سعی شده تا به جنبه‌های مختلف فرهنگ توجه شود و برای هر موضوع مربوط به فرهنگ، برنامه‌ریزی شود. اهمیت این موضوع به‌عنوان الگویی برای قوانین توسعه‌آزاد روست که با پیشرفت و توسعه نسبی در جوامع مختلف از حیث امور رفاهی و اجتماعی، شاهد بروز مشکلاتی در عرصه‌هایی هستیم که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم

بافرهنگ عمومی در ارتباط هستند؛ لذا نه تنها در سطح ملی، بلکه در رویکردهای بین‌المللی، توجه روزافزونی به فرهنگ و مسائل فرهنگی در سطح جوامع وجود دارد. این مهم در جوامع توسعه‌یافته نمود بیشتری دارد تا جایی که امروزه فرهنگ را در این جوامع، جزء جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه به حساب می‌آورند (همایون و فرج‌نژاد برقویی، ۱۳۹۳: ۱۱).

بر اساس اهداف ذکر شده در این سند مشتمل بر رشد و تعالی فرهنگ اسلامی... آراسته شدن به فضایل اخلاقی... در مسیر وصول به مقام انسان متعالی و... ماده ۳۴ و ۳۵ این سند با رویکرد حمایتی، ناظر بر کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد بر افزایش امکانات فرهنگی مساجد و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی که در این مکان‌ها صورت می‌پذیرد، تأکید نموده است.

سند چشم‌انداز

سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ را می‌توان بعد از قانون اساسی، به عنوان یکی از راهبردی‌ترین اسناد سیاستی مطرح نمود. این سند از دو بخش تشکیل شده است؛ در بخش اول که به عنوان بیانیه از آن یاد می‌شود؛ تصویری از ایران آینده ارائه می‌شود. در بخش دوم که در قالب هشت بند بیان شده، ویژگی‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف را بیان می‌کند. هدف نهایی ترسیم شده در این چشم‌انداز رسیدن به سطح مناسب و تعریف شده توسعه است که این شاخص آن را در بین کشورهای منطقه در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، منطبق با خصوصیات جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی در مقام اول قرار داده است. «سند راهبردی مساجد» در سال ۱۳۸۹، یکی از اسنادی است که در راستای سند چشم‌انداز کشور و به منظور رساندن مساجد کشور به سطح تراز تنظیم و شده است. بر اساس این سند، مسجد ۱۴۰۴ نهادی است فعال، اثرگذار، مسئولیت‌پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی، برخوردار از روحیه تعاون، سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد، توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی، با بهره‌مندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه‌های فرهنگی، اجرایی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی بر پایه تعالیم عالیه اسلام و اندیشه‌های گوهر بار امام (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت تربیت و هویت اسلامی و انقلابی، وحدت ملی، الهام‌بخش، مؤثر برای جهان معاصر به‌ویژه کشورهای اسلامی (عباسی، ۱۳۸۷: ۳۱).

در ارزیابی کلی رویکرد اسناد مذکور به مسجد به عنوان اسناد پشتیبان تأمین‌کننده این حق فرهنگی، باید گفت؛ علی‌رغم دغدغه سیاست‌گذاران نسبت به نهاد فرهنگی مسجد در روند تقنین و ارتقای جایگاه و کارکردهای فرهنگی مسجد طی چند دهه اخیر و پس

از پیروزی انقلاب اسلامی، نمی‌توان نسبت به خلأهای موجود و عدم تضمین کامل حق فرهنگی نسبت به مسجد، در اسناد مذکور چشم پوشید. البته این خلأ و نارسایی از ضعف در سیاست‌گذاری در سطح کلان و در عرصه فرهنگ نشئت می‌گیرد. چنانچه در بررسی قوانین توسعه، سیاست‌های معطوف به مسجد بیشتر ناظر به مسائل عمرانی مساجد با نگاهی کمی‌گرا بوده است. در واقع عدم توجه به ابعاد و کارکردهای کلان فرهنگی در قوانین توسعه و غلبه این نگاه کمی‌گرایانه تا حدی مانع از ایجاد هم‌نویسی میان اسناد مذکور در تحقق سیاست‌گذاری مطلوب نسبت به مساجد بوده است. عدم اشاره مستقیم به نهاد مسجد در برنامه اول توسعه، وجود تنها دو بند معطوف به نهاد مسجد از یک ماده در برنامه دوم، اختصاص یک ماده از برنامه سوم، وجود دو بند در خصوص نهاد مسجد در ماده ۱۰۶ برنامه چهارم و اختصاص ماده ۶ در برنامه چهارم و در نهایت تمرکز بر جایگاه مسجد در ماده ۹۵ قانون برنامه ششم توسعه و در ۶ بند، همگی بدون توجه به کارکردها و ظرفیت‌های فرهنگی مسجد بوده است. در واقع علی‌رغم توجه به مسجد در قوانین مذکور ذیل فصل فرهنگ، این نگاه کمی‌گرایانه مانع از زمینه‌سازی و تحقق دستیابی به «حق فرهنگی بر مسجد» بوده است.

نتیجه‌گیری

در میان شبکه‌ی حق‌ها و آزادی‌های مختلف انسانی مطرح در نظام حقوق بشر، برخی از حق‌ها توجه بیشتری را برانگیخته و برخی نیز به جهات مختلف اولویت لازم را پیدا نکرده و به حاشیه رفته‌اند. «حق‌های فرهنگی»، از جمله حق‌های طیف اخیر است، چنانچه در حوزه‌ی مباحث حقوقی و مطالعات موجود، سهم بررسی‌های مربوط به این حق و تبیین گستره و مؤلفه‌های آن، مطلوب نیست. یکی از دلایل این توسعه‌نیافتگی، وابستگی این موضوع با مفهوم سیال، متغیر و گاه نامفهوم فرهنگ است. از سوی دیگر، نظام حقوقی داخلی، به شکل استقرایی، منظومه‌ای از حق‌ها و مسئولیت‌ها را با عنوان «حق‌های فرهنگی» تکمیل می‌کنند، نه اینکه چارچوب جامعی را ابتدا ارائه کرده، سپس جزئیات آن را بیان کنند. به همین جهت نظام حقوقی داخلی، از ابتدا تصویر کاملی از این حقوق نداشته بلکه این تصویر را به تدریج کامل کرده و در این روند تأخیر زیادی به نسبت سایر حق‌ها مشهود است. به موازات این دشواری، احصاء تصویر و مفهوم «حق‌های فرهنگی» با تأکید بر «مسجد» امری ضروری است. با این تصویر از وضعیت «حق‌های فرهنگی» در نظام حقوق داخلی از سویی و عدم تصریح


قانون‌گذار نسبت به جایگاه مسجد به مثابه «حق فرهنگی»، در این پژوهش تلاش شد به این سؤال پاسخ داده شود که وظایف و تعهدات دولت دینی نسبت به اجرا و تضمین این قسم از حق‌های فرهنگی، چگونه قابل اثبات است؟ در گام اول مشخص شد که تعریف واحدی از حق‌های فرهنگی وجود ندارد. در یک‌سوی طیف نگرشی روشنفکرانه از فرهنگ فارغ از حقوق مدنی و سیاسی، فرایندهای مربوط به تولید آثار هنری را برجسته می‌سازد و در سوی دیگر رویکردی انسان‌شناسان از فرهنگ به‌عنوان روشی از زندگی با تأکید بر پیشرو بودن آن، محوریت یافته است. مشخص شد که در این رویکرد، ایجاد یک فرهنگ زنده جز با عامل ایدئولوژیک و مذهبی که به‌وسیله حیات هدف‌دار به وجود می‌آید، امکان‌پذیر نیست بنابراین تعریف حق‌های فرهنگی با مؤلفه‌هایی همچون اعتقاد، گرایش و رفتار مبتنی بر باور توحیدی، گره می‌خورد. در نهایت حق‌های فرهنگی مشتمل بر آن امور ثابت ولایت غیر در حوزه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای بشر که با حقیقت وجودی انسان مطابقت دارد و تنها منحصر در حقوقی همچون حق مشارکت در زندگی فرهنگی، حق دسترسی به آموزش همگانی، دسترسی آسان به اطلاعات و ... نیست تعریف شد. بر اساس شکل‌گیری مفهوم حق‌های فرهنگی بر مؤلفه «فرهنگ پیشرو»، با تکیه بر عناصر فرهنگی عالی مانند اخلاق برازنده و صفت‌های کمالی مانند عدالت، نوع‌دوستی، احساس تکلیف، تعهد در برابر افراد جامعه هویت اصلی مسجد بر اساس کارکردهای فرهنگی آن، با این موارد همسو بوده و در واقع نهادی غیرقابل انکار در جهت تحقق فرهنگ پیشرو است. بر این مبنا و با توجه به کارکردهای نهاد فرهنگی مسجد، مشخص شد که در سطح کلان، حق‌های فرهنگی بشر در حوزه رفتار، باور و گرایش با تأکید بر حق فرهنگی توحید به‌واسطه مسجد تأمین خواهد شد؛ اما در خصوص وظایف دولت دینی در نحوه تأمین حقوق فرهنگی، اگرچه قانون اساسی به‌صورت تلویحی به مظاهری از فرهنگ اشاره نموده، اما مطابق با بند اول از اصل سوم قانون اساسی باید گفت؛ سامان‌دهی فرهنگ توسط دولت، بخشی از حقوق اجتماعی مردم بر والیان است. این وظیفه برای دولت نسبت به جایگاه نهاد مسجد به مثابه حق فرهنگی به‌واسطه سیاست‌گذاری در این عرصه محقق خواهد شد. البته همان‌گونه که بیان شد این سیاست‌گذاری سلسله‌مراتبی و صرفاً در حیطه وظایف حکومت در نظر گرفته نشد و تا حد زیادی بر اساس مشارکت مردم شکل و نضج یافته است. در واقع نحوه ورود و دخالت حکومت به تأمین این حق فرهنگی، حداکثری نیست و به سمت سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز سوق پیدا کرده

است. بر اساس این رویکرد، اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی به صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام می‌شود. در خصوص رویکردهای اتخاذی حکومت در قبال مسجد به مثابه حق فرهنگی، نتایج پژوهش بیانگر این مهم است که هر یک از رویکردهای مشروح، معطوف بر مشارکت مردم است. البته در رویکرد ضمانتی و در قالب تضمینات قانونی مقرر شده در اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، قوانین توسعه، اصول سیاست فرهنگی و سند چشم‌انداز، نقش دولت در تأمین این حق فرهنگی پررنگ‌تر توصیف شده است. البته این رویکرد ضمانتی، به جهت وجود خلأهایی در برخی از اسناد بالادستی همچون قوانین توسعه، به جهت فقدان غلبه نگاه فرهنگی و تمرکز بر کارکردهای فرهنگی مسجد و توجه صرف به بنای مسجد و نحوه تخصیص بودجه جهت احداث و گسترش مساجد، مانع از تحقق کامل وظایف دولت در تأمین این قسم از حقوق فرهنگی است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

ORCID

Mansoor fasih ramandi  <https://orcid.org/0000-0001-8157-2622>

منابع و مأخذ

- اسماعیلی، محسن، اصغری، محمدرضا، رشیدی، رضا (۱۳۹۳). تأملی در نظریه منطقه‌الفراغ از منظر شهید صدر و نقدها و نقص‌های آن، دانش حقوق عمومی، ۳(۸)، ۴۵-۶۳.
- استاماتوپولو، السا (۱۳۹۲). حق‌های فرهنگی، ترجمه سید قاسم زمانی و منالسادات میرزاده، تهران، نشر خرسندی.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۹). متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، نشر میزان.
- افروغ، عماد (۱۳۸۲). حدود دخالت دولت در امور دینی، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۳۴.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷). هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران، نشر سوره مهر.
- امینی هرندی، رضا (۱۴۰۳). نظریه سیاستی مشارکت فرهنگی اجتماعی نوجوانان با محوریت مسجد، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۵(۶۷)، ۳۹-۶۸.
- باهنر، ناصر، فرخی، میثم (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران، بررسی دیدگاه خبرگان و سیاست‌گذاران، دین و ارتباطات، ۲۱(۴۶)، ۳۸-۵۰. doi: 10.30497/RC.2014.1720
- پهلوان، چنگی (۱۳۸۸). فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، نشر قطره.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). حکومت و رعایت، درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام، دانش سیاسی، ۱(۵)، ۴۱-۶۷.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۳). تأملاتی در مداخله دولت دینی در فرهنگ، مدرسه اسلامی علوم سیاسی، ۴(۳)، ۱۰۴-۱۲۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). شریعت در آیین معرفت، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ولایت فقیه، قم، نشر اسراء.
- حاج‌علی‌اکبری، محمدجوادی (۱۳۹۲). قانون اساسی در حوزه مساجد کم‌ماده است/ خبرگزاری تسنیم. <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/122353>
- حسینی، سیداحمد (۱۳۸۴). ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی- فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- حیدرنژاد، ولی‌الله، جمال‌الدین زنجانی، محمود (۱۳۹۸). حقوق فرهنگی در فرمان حکومتی حضرت رسول (ص) به معاذبن جبل با نگاهی به قانون اساسی، نشریه دانش حقوق عمومی، ۸(۲۲)، ۴۳-۶۲.
- خندان، علی‌اصغر، امیری طیبی، مسلم (۱۳۸۸). درآمدی بر نقش فرهنگی دولت دینی، معرفت سیاسی، ۱(۱)، ۱۲۹-۱۵۵.
- داوری، محسن (۱۳۸۹). حقوق فرهنگی شهروندان، تهران، نشر دانشگاه امام صادق.
- دشتی، محمدتقی (۱۳۹۹). دینداری به مثابه حق مصونیت، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۷(۴)، ۱-۲۲. <https://doi.org/10.22091/csiw.2020.4724.1639>
- زرودی، علی، بشیر، حسن (۱۴۰۰). حدود مداخله حکومت دینی در فرهنگ، فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی-

- فرهنگی، ۱۰ (۴۰)، ۵۲۵-۵۶۶. Dor:20.1001.1.22517081.1400.10.3.3.7
- ژیرارد، آگوستین (۱۳۷۲). توسعه فرهنگی، ترجمه عبدالحسین زرین‌قلم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۹). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- شفیعی‌سردشت، جعفر (۱۳۹۳). نزاع اراده‌گرایان و سودگرایان در مفهوم حق، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۸ (۶۹)، ۲۰۹-۲۴۶.
- طالبی، محمدحسین، حسینی‌نسب، سید مصطفی (۱۳۸۸). تبیین حق از نگاه هوفلد، حکومت اسلامی، (۵۱)، ۱۵۵-۱۸۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، جلد ۱، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، نشر فرهنگی رجا.
- طحان‌نظیف، هادی، هادی‌زاده، علی (۱۳۹۷). ماهیت قوانین برنامه توسعه در نظام حقوقی ایران، دانش حقوق عمومی، ۸ (۲۱)، ۱۰۱-۱۲۴.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۸۷). نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی، دانشگاه تهران.
- فضائلی، مصطفی، کرمی، موسی (۱۳۹۶). حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت‌ها در پرتو تفسیر عام شماره ۲۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۹ (۵۶)، ۹-۳۲.
- <https://doi.org/10.22054/qjpl.2017.11166.1262>
- فلاح سلوکایی، محمد (۱۳۹۰). سازوکار نظارت بر حکومت در نظام لیبرال دموکراسی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۳). نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- کاوسی، اسماعیل (۱۳۹۷). ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور، فصلنامه حقوق اداری، ۱۶ (۶)، ۱۵۷-۱۸۰.
- گرچی‌ازندریانی، علی (۱۳۸۸). در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل.
- مجیری، عارفه، لمسه‌چی، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد در صدر اسلام، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد. <http://www.Masjed.ir/fa/article/3>
- محسنی، علی، فرهادی، عباس، قمریان، ناهید (۱۳۹۳). بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم، فصلنامه راهبرد، ۲۳ (۷)، ۳۴-۷۲. Dor: 20.1001.1.10283102.1393.23.3.1.1
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن، جمع‌آوری و تصحیح محمد شهربابی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفی‌نژاد، عباس، محمدزاده، اصغر (۱۳۹۵). برنامه سوم توسعه، زمینه‌ها، اهداف، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، فصلنامه راهبرد، ۲۵ (۷۹)، ۱۵۷-۱۷۶.
- مهدوی‌کنی، محمدرضا (۱۳۹۰). مساجد به مردم تعلق دارند. www.mehrnews.com/news
- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۱۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».

- موسوی‌الخمنی، روح‌الله (۱۳۹۷). کتاب البیوع، جلد ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- وحید، مجید (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران امروز، مرکز‌بازشناسی اسلام و ایران، تهران، انتشارات باز.
- ولمن‌کارل (۱۳۸۱). مفهوم حق، سهم هوفلد، ترجمه محمد راسخ، در حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، انتشارات طرح نو، تهران.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، نشر میزان.
- همایون، محمدهادی، فروزان، حامد (۱۳۸۸). تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران، *دین و ارتباطات*، ۱۶ (۳۵)، ۶۳-۹۲. doi: 10.30497/RC.2010.1401
- همایون، محمدهادی، فرج‌نژاد ابرقویی، محمدحسن (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطوح کلان و میانی (مطالعه سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه)، *دین و سیاست فرهنگی*، ۱ (۷۳)، ۳۲-۷.
- یزدانی‌زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱ (۴)، ۱۰۹-۱۴۲.
- Esmaili, M., Asghari, M., Rashidi, R., (2014), A Review and Critique of the Vacuum Zone Theory, *Knowledge of Public Law*, 3(8), 45-64. [in Persian]
- Estamopolo, E., (2013), *Cultural Rights*, Translated by Seyyed Qasem Zamani and Mona Sadat Mirzadeh, Tehran, Khorsandi Publishing.
- Ashtarian, K., (2010), *Strategic Variables in Cultural Policy-making*, Tehran Mizan Publishing.
- Afroogh, A., (2003), The Limits of State Interference in Religious Affairs, *Quarterly Show*, 34, 37-57. [in Persian]
- Bahonar, N., Farrokhi, M., (2014), Optimal Cultural Policy Making of Mosque in the Islamic Republic of Iran, A Study of the Viewpoints of Experts and Policy Makers, *Journal of Religion and Communication*, 21(46), 5-38. DOI: 10.30497/RC.2014.1720 [in Persian]
- Pahlavan, Ch., (2009), *Cultural Studies, Discourses on Culture and Civilization*, Tehran, Ghatreh Publishing.
- Jafari, M., 2007, *Farhang Piroo, Farhang Pishroo*, Tehran, Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari's Works.
- Jamshidi, M., (2009) Government and Observance, An Introduction to the Political Philosophy of Government in Islam, *Political Science*, 1(5), 41-67. [in Persian]
- Jamshidi, M., (2014) Reflections on the Intervention of the Religious State in Culture, *Islamic School of Political Science*, 4(3), 104-126. [in Persian]
- Javadi, A., (2002) *Shari'a in the Mirror of Knowledge*, Qom, Israa Publishing.
- Javadi, A., (2009), *Velayat-e Faqih*, Qom, Esraa Publications.
- Hajaliakbari, M., (2013), The constitution in the field of mosques is less material, reach out: *Tasnim News Agency* :<http://www.tasnimnews.com/Home/Single, 122353>.

- Hedarnejad,V,Jamalodin zanjani,M, (2019), Cultural Rights in the Governmental Decree of the Prophet (PBUH) to Mu'adh bin Jabal with a Look at the Constitution, *Journal of Public Law Knowledge*, Spring,8(22),43-62. **[in Persian]**
- Hosseini,A, (2005), Organizing the Cultural Activities of State-Cultural Institutions and Institutions, Tehran, Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Khandan,A,Amiritaibi,M,(2009), An Introduction to the Cultural Role of the Religious State, *Political Knowledge*, 1(1),129-155. . **[in Persian]**
- Davari,M, (2010), Cultural Rights of Citizens, Tehran, Imam Sadeq University Press.
- Dashti,M, (2020), Religiosity as the Right to Immunity, *Quarterly Journal of Comparative Research on Islamic and Western Law*,7(4),1-22. <https://doi.org/10.22091/csiw.2020.4724.1639> **[in Persian]**
- Zaroodi,A,Bashir,H, (2021), The Limits of Religious Government's Intervention in Culture, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*,10(40),525-566. Dor:20.1001.1.22517081.1400.10.3.3.7 **[in Persian]**
- Girard, (1993), A, Cultural Development, translated by Abdolhossein Zarrinqalam, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Shaygan,F,(2010), Sociological Explanation of People's Participation in Mosques, Tehran, Sociologists Publication.
- Shafiesardasht,J, (2014), The Conflict between Willists and Utilitarians in the Concept of Right, *Legal Research Quarterly*,18(69), 209-246. . **[in Persian]**
- Talebi, M, Hosayninasab, M, 2009, Explaining the Right from Hoffeld's Viewpoint, *Islamic Government*,(5), 155-188. **[in Persian]**
- Tabatabai,M, (1984), Almizan, Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Tehran, Raja Cultural Publishing.
- Tahannazif,Hadi,Hadizadeh,A, (2018), The Nature of Development Program Laws in Iran's Legal System, *Public Law Knowledge*,8(21),101-124. **[in Persian]**
- Abasi,E, 2008, The Role of Mosque in Neighborhood Culture and Identity, Qom, Saqlain Cultural Institute.
- Amid zanjani,A, (2010), Encyclopedia of Political Jurisprudence, University of Tehran.
- Fazaeli,M,Karami,M, (2017), Protecting the Culture and Cultural Rights of Minorities in the Light of General Interpretation No. 21 of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, *Public Law Research Quarterly*,19(56),9-32. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2017.11166.1262> **[in Persian]**
- Falahselokai,M, (2011), The Mechanism of Monitoring the Government in the System of Liberal Democracy, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Ferahi,Davood, (2004), Political System and State in Islam, First Edition, Tehran, Samt Publications.
- Kavoosi,E, 2018, Evaluating the Position of Cultural Rights Components in the Cultural Development System of the Country, *Administrative Law Quarterly*,6(16),157-180. **[in Persian]**
- Gorjiazandariani,A, (2009), In Pursuit of Constitutional Rights, Tehran, Jangal Publications.

- Mojiri, A., Lamsehchi, F, (1391), A Study of the Cultural Functions of the Mosque Institution in the Early Islam, Office of Studies and Research of the Center for Mosque Affairs, [http://www. Masjed.ir/fa/article/3](http://www.Masjed.ir/fa/article/3).
- Mohseni, Ai, Farhadi, A, Ghamarian, N, (2014), Investigating and Explaining the Position of the State in the Cultural Arena of Society from the Perspective of Islam and Liberalism, Quarterly Journal of Strategy, Year 23, 72, 7-34. doi: 20.1001.1.10283102.1393.23.3.1.1 [in Persian]
- Mesbahyazadi, M, (1377), Law and Politics in the Qur'an, Compiled and Edited by Mohammad Shahrabi, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Mosalanejad, A, Mohamadzade, A, 2016, The Third Development Plan, Grounds, Goals, Successes and Failures, Quarterly Journal of Strategy.
- Mahdavi Kani, (2011), Mosques Belong to the People, www.mehrnews.com/news.
- Mosaviakhomayni, R, (1989), Sahifeh, Tehran, Institute for the Regulation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mosaviakhomayni, R, (2018), Albay, Tehran, Institute for the Regulation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Vahid, M, (2003), Cultural Policy Making in Iran Today, Center for the Recognition of Islam and Iran, Tehran, Baz Publications.
- Volman, K, (2002), The Concept of Right, Hoffeld's Contribution, Translated by Mohammad Rasekh, In Right and Expediency, Essays on the Philosophy of Law, The Philosophy of Right, and the Philosophy of Value, Tarh-e-Naw Publications, Tehran.
- Hashemi, M, (2013), The Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran, Volume 1, Tehran, Mizan Publishing.
- Homayoon, Mh, Fooroozan, H, (2009), Explaining the desirable relationship between government and culture in the Islamic Republic of Iran, religion and communication, 16(35), 63-92. 10.30497/RC.2010.1401 DOI: [in Persian]
- Homayoon, Mh, Farajnejadabargooi, Mh, (2014), A Comparative Study of the Cultural Policies of the Islamic Republic of Iran at the Macro and Intermediate Levels (Study of the Document of the Principles of Cultural Policy of the Islamic Republic of Iran and the Fourth and Fifth Development Plans), Religion and Cultural Policy, 1(73), 7-32. [in Persian]
- Yazdani Zazarani, M, (2012), Investigating the Conceptual Relationship and the Impact of Governance on Public Policy, International Relations Research, 1(4), 109-142. [in Persian]

